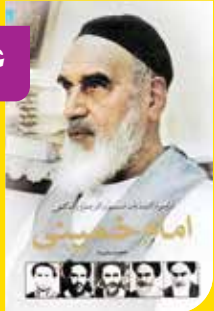


دایره‌المعارف مصور تاریخ زندگی امام خمینی



■ جعفر شیرعلی نیا
■ نشر سایان
■ ۵۰۸ صفحه
■ ۳۵۰ هزار تومان

روایتی از فراز و فرود ۸۷ سال زندگی موسوی خمینی است. رهبری فرزانه که در هنگام پیروزی انقلاب ۷۶ ساله بود. مردی که انقلابی را رهبری کرد که پیروزی آن شکست بسیاری از مستکبران جهان بود. در این دایره‌المعارف می‌توان با دوره کردن زندگی امام سرگذشت یک ملت و دشواری‌های آن تا پیروزی نهایی انقلاب را دنبال کرد. همچنین کتاب روایت و اسپین روزهای زندگی امام خمینی و آخرین سخنان او نیز هست.

طیب دل‌ها



■ سید حسن عارفی
■ موسسه چاپ و نشر عروج
■ ۳۷۵ صفحه
■ ۱۸ هزار تومان

کتاب خلاصه گزارش‌های طول درمان و سیر معالجات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و خاطرات تیم پزشکی امام (ره) است. دیباچه این اثر به قلم حجت‌الاسلام حاج سیدحسن خمینی نوشته شده است. کتاب روایتی است از احوالات امام به لحاظ جسمی، شرح بیماری‌ها، دوره‌های بستری، گزارش‌های پزشکان درباره احوال ایشان از زمان ورود به ایران در بهمن ۱۳۵۷ تا آخرین ضربان قلب در خرداد ۱۳۶۸.

پابه پای آفتاب



■ امیررضا ستوده
■ نشر پنجره
■ ۳۶۸ صفحه
■ ۶۶ هزار تومان

کتابی شش جلدی در بررسی سیره نظری و علمی امام خمینی (ره) از دیدگاه نزدیکان و یاران ایشان است. قسمتی از این مجموعه، شامل خاطرات خانواده امام خمینی (ره) از کودکی تا رحلت ایشان است. مصاحبه‌های این اثر از میانه مجلات، روزنامه‌ها، آرشیو صداوسیما و مقالات گرفته شده و برخی نیز توسط خود نویسنده انجام شده است. این خاطرات از زمان حضور امام در قم، نجف، پاریس و جماران توسط شخصیت‌های مختلف از اعضای دفتر ایشان تا تیم پزشکی نقل شده است.

را ترک می‌کردند. با این حال از فرصت کوتاهی که در اختیار داشتند برای رایزنی با خبرگان و اثرگذاری بر نظرات آن‌ها بهره بردند. روایات تاریخی موجود از رایزنی‌های این برهه نشان می‌دهد نظراتی درباره مطلوبیت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و فردی یا شورایی بودن رهبری مطرح شده است.

همچنین خبرگان تصمیم گرفتند که آقای منتظری را با عنوان «قبول استعفاء» برکنار کنند و در این باره رأی‌گیری کنند. با انجام رأی‌گیری، با اکثریت مطلق، خبرگان با استعفاءی آقای منتظری موافقت کردند. موضوع رهبری فردی و شورایی نیز از اختلافات این جلسه بود که با رأی‌گیری، چیزی در حدود ۴۵ نفر از اعضا به رهبری فردی رأی دادند و تصویب شد. اختلاف آراء زیاد نبود و اکثریت مطلق حاصل شد. علت اصلی رأی آوردن رهبری فردی، جدای از استدلال‌های احتمالاً بهتر طرفداران فرد، تجمیع آرای هواداران رهبری فردی آقایان گلیاگانی و خامنه‌ای بود. جالب اینجاست که رهبری فرد، در عین هواداری افراد متنوع خبرگان، مانند آقایان خامنه‌ای، هاشمی، مشکینی، فاضل و... از شورا، رأی آورد.

تنها گزینه مطلوب

حالا مجلس باید در مورد فرد مطلوب تصمیم‌گیری می‌کرد. هاشمی رفسنجانی بعد از رأی‌گیری اعلام کرد: «چهل و چهار، چهل و پنج نفر ایستادند. فردی، تصویب شده است. حالا باید روی فرد رأی بگیریم.» یکی از نمایندگان (آیت‌الله خلخالی) گفت: «پیشنهاد من، آقای خامنه‌ای است.» و هاشمی رفسنجانی در پاسخ تأیید کرد: «خیلی خوب... ما هم پیشنهادمان آقای خامنه‌ای است.»

به روایت آقای منهای دشتی: «نظر شورایی دنبال نشد و صحبت‌ها آمد روی فرد، وقتی صحبت‌ها آمد روی فرد دیگر صحبت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد، صحبت نفر دیگری اصلاً به میان نیامد و ظاهراً به ذهن کسی هم خطور نکرده بود.» به عبارت دیگر، با منتفی شدن رهبری شورا، مثلاً هواداران رهبری آقای گلیاگانی، دوباره مصمم نشدند که نام گزینه‌ی مطلوب خود را مطرح کنند و در نتیجه تنها هواداران رهبری آقای خامنه‌ای بودند که مطلوب خود را دنبال کردند.»

این اتفاق، با اصرار بعضی نمایندگان برای بیان اشارات منقول از امام درباره مطلوبیت رهبری آقای خامنه‌ای هم‌زمان شد. آقایان محسن مجتهد شبستری، معصومی شاهرودی و قریشی، با فریاد بلند در صحن مجلس این خواسته را خطاب به هیئت رئیسه مطرح کردند. هاشمی رفسنجانی در واکنش به این اصرار، اشارات منقول از امام را بیان کرد. در این اشارات، امام در سه موضع بر مطلوبیت رهبری آقای خامنه‌ای تصریح کرده بود: یکی در جلسه سران قوا، یکبار به آقای هاشمی و یکبار هم به آقای سیداحمد خمینی. آقای موسوی اردبیلی، فی‌المجلس به صحت خاطره نخست شهادت داد. در رأی‌گیری نهایی برای این امر، نزدیک به ۶۰ نفر از اعضا، به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رأی مثبت دادند. هیئت رئیسه خبرگان پس از پایان اجلاس، با صدور اطلاعیه‌ای، خبر انتخاب را منتشر کرد. تصمیم غیررسمی خبرگان بر این شد که اشارات منقول از امام در مطلوبیت رهبری آقای خامنه‌ای به اطلاع عموم رسانده شود. به این ترتیب خبری که بسیاری از رسانه‌های داخلی و خارجی منتظر آن بودند با نتیجه این جلسه اعلام شد. در آن روز اگرچه انقلاب ایران می‌توانست با از دست دادن رهبر عظیم‌الشأن خود در بحران جدی جاننشینی قرار گیرد اما با تدبیر خبرگان، انقلاب ایران به دستان رهبر توانمند آتی سپرده شد. دو روز بعد در ۱۶ خرداد ۱۳۶۸ با مهیا شدن شرایط مراسم تدفین امام، مردم ایران در مراسمی با شکوه آخرین وداع را با بنیانگذار انقلاب خود انجام دادند.

از این توافق نسبی آگاهی نداشتند. در همین رابطه، آیت‌الله فیض‌گیلانی تأکید می‌کند که «از آن زمان (عزل آقای منتظری) تا فوت امام هیچ مجلسی نداشتیم و هیچ تبادل نظری هم من نشنیدیم. یعنی کسی با من صحبت نکرد که اگر امام فوت کرد ما چه کنیم.»

در چنین شرایطی، سرانجام مجلس خبرگان رهبری متوجه مسئولیت تاریخی خود شد. اعضای این مجلس، در طول سال تنها به برگزاری یک اجلاس سه‌ساله مبادرت می‌کردند و عملاً مسئولیتی جز آمادگی برای روز مبدا نداشتند و آن روز مبدا، حالا با رحلت امام عظیم‌الشأن فرارسیده بود. چشم‌ها به ساختمان مجلس شورای اسلامی و اجلاس خبرگان رهبری دوخته شده بود و بنگاه‌های خبری داخل و خارج کشور مترصد بودند تا نتیجه نهایی این مجلس را بلافاصله مخابره کنند.

اجلاس تاریخی

صبح چهاردهم خرداد ۱۳۶۸، تاریخی‌ترین اجلاس خبرگان رهبری تا آن هنگام، در محل ساختمان مجلس شورای اسلامی برگزار شد. این اجلاس که هفتمین اجلاس از دور اول مجلس خبرگان بود، از ساعت نزدیک به ۸ صبح آغاز به کار کرد و تا غروب آفتاب و هنگام اذان مغرب ادامه یافت. خبرگان سراسر کشور که نمایندگان مردم برای انجام این وظیفه تاریخی بودند، به مرور از راه می‌رسیدند و عده‌ای هم که در تهران سکونت داشتند، زودتر از آن‌ها در این محل گرد آمده بودند. اجلاس چهاردهم خرداد، در سه مقطع (جلسه) و با دو تنفس برگزار شد:

جلسه صبح تا پیش از ظهر (جلسه ی اول)، که به قرائت دستور اجلاس و سپس، وصیت‌نامه امام خمینی اختصاص داشت.

مقطع نخست جلسه بعدازظهر (جلسه ی دوم)، که به تعیین تکلیف قانونی مسئله قائم مقام رهبری، و بیان نطق‌های عمومی خبرگان اختصاص داشت.

مقطع دوم جلسه بعدازظهر (جلسه ی سوم) که ضمن ایراد ادامه نطق‌های عمومی، اختصاصاً پیرامون بحث درباره رهبری فردی و شورایی و سپس انتخاب گزینه پیشنهادی برای رهبری فردی، یعنی آیت‌الله خامنه‌ای برگزار شد.

دو نسخه از وصیت‌نامه امام وجود داشت. یک نسخه در اختیار خبرگان قرار داشت و نسخه دوم به آستان قدس رضوی به امانت سپرده شده بود. آیت‌الله مشکینی که وصیت‌نامه را باز کرده بود، می‌گوید: «اینجا یک نکته‌ای در آخر وصیت‌نامه خواستم ورق بزنم ببینم، (دیدم) اینجا دو سطر اضافه کرده‌اند: بسمه تعالی. این وصیت‌نامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخواند و در صورت عذر، رئیس محترم جمهور، یا رئیس محترم شورای اسلامی، یا رئیس محترم دیوان عالی کشور این زحمت را بپذیرند و در صورت عذر، یکی از فقهای محترم نگهبان این زحمت را قبول نماید.»

با قرائت این بخش از وصیت‌نامه امام توسط آقای مشکینی، تصمیم گرفته شد که با «حاج سیداحمد خمینی» برای قرائت وصیت‌نامه، تماس برقرار شود. فرزند امام، بزرگ‌ترین غایب جلسه بود و به دلیل پیگیری و انجام امور مربوط به امام و تجهیز و دفن ایشان به مجلس نیامده بود. پس از استفسار هیئت رئیسه مجلس، هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که سیداحمد خمینی امکان حضور در مجلس را ندارد. به این ترتیب وصیت‌نامه از سوی آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور وقت قرائت شد. خبرگان می‌پنداشتند که در وصیت‌نامه مذکور، مطالب راهگشایی درباره رهبری آینده کشور وجود داشته باشد اما به جز کلیاتی در این باره، هیچ نشانه یا سفارش مشخصی، نظر آن‌ها را جلب نکرد.

در جریان قرائت وصیت‌نامه، به جز خبرگان، شخصیت‌های دیگر لشگری و کشوری هم حضور داشتند. آنها با اتمام قرائت وصیت‌نامه باید اجلاس



صبح چهاردهم خرداد ۱۳۶۸، تاریخی‌ترین اجلاس خبرگان رهبری تا آن هنگام، در محل ساختمان مجلس شورای اسلامی برگزار شد. این اجلاس که هفتمین اجلاس از دور اول مجلس خبرگان بود، از ساعت نزدیک به ۸ صبح آغاز به کار کرد و تا غروب آفتاب و هنگام اذان مغرب ادامه یافت. خبرگان سراسر کشور که نمایندگان مردم برای انجام این وظیفه تاریخی بودند، به مرور از راه می‌رسیدند و عده‌ای هم که در تهران سکونت داشتند، زودتر از آن‌ها در این محل گرد آمده بودند.